

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۱۹
تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۷

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
The Reflection of the West Culture in the Life Style and the Architecture
of the Houses in the Late Qajar Dynasty in Hamadan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان*

غلامرضا ابراهیمی**
حسین سلطانزاده***
غزال کرامتی****

چکیده

سبک زندگی، اصطلاحی است که در بطن خود، مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را می‌پروراند، تأثیر عمیقی در الگوهای رفتاری و گرایش‌های ذهنی افراد جامعه داشته و تأثیر فراوانی در شکل‌گیری فضای سکونت دارد. این گفتمان مکان‌گزینی و فضای سکونت در رابطه سبک زندگی به عنوان موضوعی جدید و قابل تأمل در چند دهه معاصر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم و من جمله در عرصه معماری و شهرسازی بوده است. یکی از مصادیق و جلوه‌های تجلی سبک زندگی، کیفیت مکان‌گزینی و فضای زیست بوده که به تبع آن معماری خانه‌ها را تحت شعاع قرار داده است. هدف از تدوین این پژوهش میزان اثربخشی فرهنگ غرب در سبک زندگی مردم شهر همدان در دوره اواخر قاجار بوده و به تبع آن، میزان تأثیرگذاری آن را در عرصه معماری خانه‌ها بازنمایی کرده است. روش تحقیق پژوهش به لحاظ روش تحقیق، از نوع تحلیل تاریخی، تفسیری است. منابع اطلاعاتی پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بوده و روش انتخاب نمونه‌های میدانی براساس نمونه‌گیری هدفمند بوده است. جهت انتخاب نمونه‌ها تمامی خانه‌های مربوط به اواخر دوره قاجار که دارای اسناد مطالعاتی بوده و امکان مطالعات میدانی فراهم بود مورد بررسی قرار گرفت و از میان نمونه‌ها، شش خانه انتخاب شد که دارای بیشترین تحول در عرصه معماری، با توجه به تغییر سبک زندگی صورت گرفته بود. مبنای سنجش و گزینش نمونه‌ها براساس بیشترین میزان تأثیرپذیری و تحول آنها در سه سطح کلان، میانی و خرد معماری انجام پذیرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده تغییرات سبک زندگی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده که به تبع این تغییرات، معماری خانه‌ها را تحت شعاع قرار داده است. این تغییرات در مرحله اول در معماری خانه‌های طبقه اعیانی و تجار به منصف ظهور رسیده است. بازنمایی تحول فضا در معماری این خانه‌ها در قالب تحول در عرصه‌های کلان، میانی و خرد فضا صورت گرفته است. در عرصه کلان فضا، سادگی فرم و حذف حیاط‌های چندگانه قابل ملاحظه است. در عرصه تحولات میانی، تحول در سازماندهی فضای داخلی و توسعه و بسط فضای داخلی مطرح بوده و در عرصه خرد فضا، اهمیت نمادین برخی از عناصر معماری شامل ستون، پله، و تزیینات مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی

فرهنگ غرب، تحول فضای داخلی، سبک زندگی، سازماندهی فضا، تمایز.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری غلامرضا ابراهیمی با عنوان «تأثیر تحول سبک زندگی در معماری خانه‌های معاصر» است که به راهنمایی دکتر حسین سلطانزاده و مشاوره دکتر غزال کرامتی و دکتر شروین میرشاهزاده در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی ارائه شده است.

** دکتری معماری، مربی گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، همدان، ایران. rezaebrahimi2189@gmail.com

*** دکتری معماری، دانشیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۲۰۹۳۲۰۳

H72soltanzadeh@gmail.com

**** دکتری معماری، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران. ghazal_keramati@yahoo.com

مقدمه

کارهای طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌کننده یا نشانه‌های متمایز کننده است که در قالب ریختارمتمایزکننده فضا بازنمایی می‌شود. در این رویکرد فضا محور، خانه به مثابه بازنمایی فضایی جهت انجام رفتار، کرد و کار و کنش‌های متقابل افراد نسبت به یکدیگر بوده و به عنوان مکانی شناخته می‌شود که نسبت به نوع شیوه زندگی، سازمان فضایی و عناصر آن دائماً در حال تغییر و تحول است. تغییر و تحول اساسی در شیوه زندگی به تبعیت از غرب و به تبع آن تأثیرگذاری در فضای خانه در ایران معاصر، به اواخر دوره قاجار باز می‌گردد و ریشه آن در تعامل و گفتگمانی است که بین ایران و غرب رایج بوده است. روند تکامل شکل‌گیری سبک جدید زندگی ابتدا از طبقه اعیانی و اشرافی آغاز شده و در دوره‌های بعدی (پهلوی اول و دوم) به تدریج وارد عرصه مختلف زندگی مردم شده است. رویکرد اصلی پژوهش بر مبنای خوانش فضا در رابطه با شیوه زندگی، الگوهای رفتاری و تأثیر آن بر فضای معماری است. این پژوهش سعی دارد که با نگاه ژرف، تغییرات آن را، در گذار از سنت به نوگرایی در دوره اواخر قاجار و تأثیر آن را در عرصه معماری خانه‌های شهر همدان مورد نقد و بررسی قرار دهد.

روش تحقیق

پژوهش مورد مطالعه به لحاظ روش تحقیق، از نوع تحلیل تاریخی، تفسیری است. منابع اطلاعاتی پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع آوری شده است. در خصوص اطلاعات کتابخانه‌ای منابع دست اول مانند اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و روزنامه‌ها مورد استناد بوده است. از سفرنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش می‌توان به سفرنامه ویلیام جکسن، دکتر ویلیز و دکتر هینریش بروگشن اشاره کرد که در دوره قاجار از شهر همدان بازدید داشته‌اند. همچنین از خاطرات مهم مورد استفاده خاطرات ظهیرالدوله، حاکم همدان در اواخر دوره قاجار، مورد استناد بوده است. وجه دیگر از منابع، مبتنی بر مطالعات میدانی و روش انتخاب نمونه‌ها براساس نمونه‌گیری هدفمند بوده است. در مرحله بعدی، اطلاعات و اسناد براساس مؤلفه‌های متغیر مستقل یعنی سبک زندگی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل نمونه‌ها به صورت تحلیل کیفی بوده که در نهایت در جدول تطبیقی رابطه مفهومی مؤلفه‌های سبک زندگی و تحول فضای معماری خانه‌ها ارایه شده است.

پیشینه تحقیق

بررسی و تحلیل معماری از زاویه شیوه زندگی، در برخی

خانه نمایانگر ارزش‌ها و عقاید فرهنگی و اجتماعی است. از همین رو مکانی است که می‌تواند نیازها و انتظارات خانواده را برآورده سازد. درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی، مردم و جامعه، با در نظر گرفتن تمامی وجود نمادین، نهادین، مادی و زیباشناسانه خانه یا همان سبک زندگی در خانه امکان پذیر است. انتخاب و گزینش نوع خاص شیوه زندگی که خود محصول رفتار و تعامل فردی و گروهی انسان است، باعث شکل‌گیری فضای سکونت می‌شود. این گفتمان مکان‌گزینی و فضای سکونت در رابطه سبک زندگی به عنوان موضوعی جدید و قابل تأمل در چند دهه معاصر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم و من جمله در عرصه معماری و شهرسازی بوده است. هدف از تدوین این پژوهش، سنجش میزان اثربخشی فرهنگ غرب در سبک زندگی مردم شهر همدان در اواخر دوره قاجار و نیز میزان تأثیرگذاری آن در عرصه معماری خانه‌هاست. دلیل انتخاب دوره اواخر قاجار به دلیل ورود اولین موج نوگرایی به تبعیت از فرهنگ غرب در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده که به تبع آن دارای اثر بخشی در معماری خانه‌ها بوده است.

سؤالات تحقیق

۱. ریشه‌های اصلی تأثیرگذار فرهنگ غرب در شیوه زندگی مردم همدان در دوره اواخر قاجار چه بوده است؟
۲. تغییر شیوه زندگی تا چه میزان معماری خانه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است؟

بیان مساله

شیوه زندگی و گزینش نوع خاص الگوی رفتاری که خود محصول رفتار و تعامل فردی و گروهی انسان است، باعث شکل‌گیری فضای اجتماعی می‌شود. این گفتمان فضای اجتماعی در رابطه سبک زندگی به عنوان موضوعی جدید و قابل تأمل در چند دهه معاصر مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم و من جمله در عرصه معماری و شهرسازی بوده است.

اصطلاح سبک زندگی به صورت عام عبارت است از روشی که مردم انتخاب میکنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای شخصیت متمایز باشند (Rappaport, 1969: 15). مفهوم سبک زندگی به طور ویژه به انتخاب کیفیت‌های زندگی و فعالیت‌ها و شیوه‌های فعالیت خاص منجر شده که در بر گیرنده ایده‌آل و تصورات است. از نظر پیربوردیو سبک زندگی نظام کرد و

سگالن ارتباط سبک زندگی با خانه در تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و عمومی در ارتباط است. محقق ارزشمند دیگری که فعالیت گسترده‌ای در مورد سبک و شیوه زندگی در ارتباط با مسکن گزیدن و به ویژه خانه انجام داده، آموس راپوپورت است (10: Rapoport, 2000). از نظر راپوپورت روش زندگی به عنوان بخشی از اجزای فرهنگ است که بر کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته شده تأثیر می‌گذارد. توماس هجراب قوم‌شناس دانمارکی در کتابی تحت عنوان «ملت، فرهنگ و شیوه زندگی» به معرفی سه نوع شیوه زندگی می‌پردازد که شامل خود اشتغالی (عدم جدایی بین کار و فضای خانه)، دستمزد نان و پیشه حرفه‌ای در خانه بوده و این دسته‌بندی نشان می‌دهد که سطح درآمد، محل کار و سبک کارفردی، نیازها و اولویت‌های خانه را تغییر می‌دهد. لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا، معتقد است که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانونمندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط ایفا کرده و می‌توانند باعث درک کشف شیوه استفاده از فضاها، بسیار سودمند باشند. جدول ۱ دیدگاه و نظریات مفهومی مؤلفه سبک زندگی در رابطه با مسکن گزینی از دیدگاه صاحب‌نظران را ارائه کرده است. از مجموعه نظرات مربوط به رابطه سبک زندگی با کیفیت مکان‌گزینی می‌توان به تنوع دیدگاه در این زمینه پی برد. ولی آنچه مورد تأیید اکثر نظریه پردازان بوده تأثیر شیوه زندگی در کیفیت مکان‌گزینی بوده که بازتاب آن در معماری در قالب تحولات فضای معماری است.

مدل تحلیلی پژوهش

مدل تحلیلی پژوهش مبتنی بر مؤلفه‌های مفهومی سبک زندگی از خلال نظرات و آرا اندیشمندان است. در این مدل ابتدا به مؤلفه‌های مفهومی سبک زندگی نظیر مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته شده و در ادامه به بررسی مفهومی بازنمایی تحولات سبک زندگی در رابطه با سکونت‌گزینی که منجر به بروز پدیده‌هایی نظیر تمایز اجتماعی، نظام جنسیتی فضا، تعامل گروه‌های هم‌پیوند اجتماعی، همساز و انتخاب بوده پرداخته می‌شود. تحلیل معماری در رابطه با تحولات سبک زندگی در معماری خانه را می‌توان از طریق مؤلفه‌های فضای معماری خانه در قالب الگوی کلان و میانی و خرد فضا بررسی کرد. دیاگرام یک مدل تحلیلی پژوهش را معرفی کرده است.

از کتب، مقالات و پایان‌نامه‌ها بازتاب داشته است. برومبژه در کتاب مسکن و معماری در جامعه روستایی کسب و کار و خانه در قرن دوازدهم شمسی به شهر تهران پرداخته است. نویسندگان در کتاب خود زوایایی از زندگی مردم در ارتباط با خانه و نوع معماری خانه‌های قدیم تهران را در ارتباط با جایگاه اجتماعی و اقتصادی معرفی کرده است (شهری، ۱۳۶۹). محمدرضا حائری مازندرانی در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت به تعدادی از خانه‌های سنتی شهرهای همدان، رشت، کاشان، شیراز و بوشهر پرداخته و در نهایت به این نتیجه رسیده که خانه‌های امروز رابطه خود را از فرهنگ و طبیعت گسسته‌اند (حائری، ۱۳۸۸). در میان پایان‌نامه‌های مقطع دکتری خانم ارمنان به رابطه شیوه زندگی و معماری و تزیینات دوره قاجار در بناهای اعیانی و کاخ‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده که شیوه زندگی به سبک غربی به صورت تقلیدی فضای داخلی را تحت تأثیر قرار داده است. پایان‌نامه خانم ورمقانی در مورد رابطه جنسیت و فضای زندگی بوده، خانه‌های شمال ایران را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که معماری خانه‌های سنتی شمال ریشه در الگوهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی دارد. ولی در میان پژوهش‌های انجام شده، معماری خانه‌های همدان به صورت کلی و از زاویه سبک زندگی به صورت ویژه مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

مبانی نظری

در دهه‌های اخیر، در تحقیقات معماری استفاده از روش‌های میان رشته‌ای، به دلیل رویکردها و نگاه‌های جدید، رواج بسیار یافته و دلیل آن ریشه در ماهیت چندبعدی معماری دارد. رویکردهای تئوریک در مورد رابطه شیوه زندگی با الگوی سکونت‌گزینی از دهه شصت قرن بیستم مورد توجه اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی، رفتاری، معماری و شهرسازی بوده است. از میان متفکرینی که در رابطه با سبک زندگی و شیوه سکونت پرداخته‌اند می‌توان به چاپین واسول، ابرین، بوردیو، سگالن، راپوپورت و توماس هجراب اشاره کرد. از نظر چاپین واسول مؤلفه سبک زندگی در ارتباط با عمل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق نشیمن و سایر جلوه‌های عینی معنا دارد. ابرین سبک زندگی را در قالب محل زندگی، مشارکت محلی، نوع منزل (با حیاط، گاراژ، کارگاه و ...) نوع مدرسه، محل تحصیل فرزندان معنا کرده است. بوردیو شیوه زندگی را در دارایی‌ها نظیر خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت‌های متمایز کننده نظیر نوع پوشش لباس، بازی‌ها و رسیدگی به ظاهر بدن تعریف کرده است. از سوی دیگر در نظر

جدول ۱. بررسی رابطه سبک زندگی با مسکن‌گزینی از دیدگاه صاحب‌بنظران. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	صاحب‌بنظران	تعریف سبک زندگی	مؤلفه‌های مفهومی	مؤلفه‌های بازنمایی فضای معماری
۱	چاپین واسول	محل سکونت، نوع خانه و وسایل اتاق نشیمن، سایر جلوه‌های شان و منزلت	سکونت به مثابه تمایز اجتماعی	الگوی کلان و خرد معماری
۲	ابرین	محل زندگی، مشارکت محلی، نوع منزل (با حیاط، گاراژ، کارگاه و ...) نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان	سکونت به مثابه تعامل اجتماعی	الگوی کلان معماری
۳	بورديو	دارایی مثل خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت‌های متمایز کننده مانند ورزش و تفریح	سکونت به مثابه بازنمایی الگوی رفتاری جهت تمایز اجتماعی	الگوی کلان و خرد معماری
۴	سگالن	مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم‌بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی) معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی	سکونت به مثابه تعامل اجتماعی خانواده و جامعه	الگوی کلان و میان فضا
۵	لارنس	شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا و درک معانی نهفته در آن	سکونت به مثابه بازنمایی فضا جهت بودن	الگوی میانی فضا
۶	راپاپورت	خانه به عنوان بخشی از اجزای فرهنگ مادی و تأثیرگذاری بر کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته شده	سکونت به مثابه بازنمایی الگوی فرهنگی	الگوی کلان و میان فضا
۷	توماس هجراب	تغییر اولویت‌های خانه با سطح درآمد، محل کار و سبک کارکردی، نیازها	سکونت به مثابه بازنمایی توان اقتصادی	الگوی کلان معماری

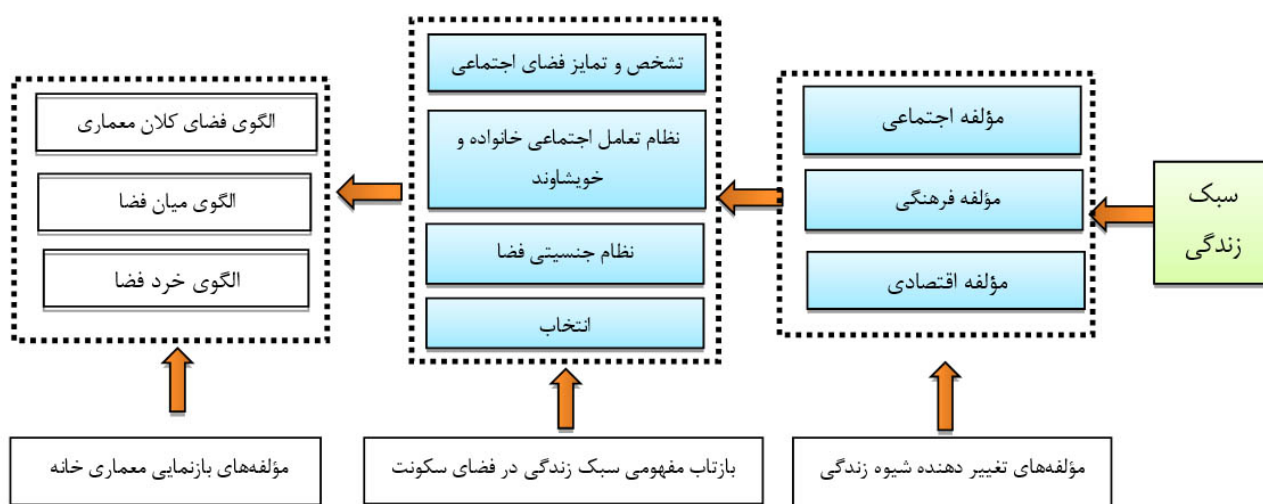
بحث: مؤلفه‌های تغییر دهنده شیوه زندگی

تغییر و تحول شیوه زندگی در شهر همدان در اواخر دوره قاجار و به ویژه بعد از دوران مشروطه را می‌توان در شکل‌گیری مدارس نوین، توسعه تعاملات اجتماعی با اقلیت‌های مذهبی و خارجیان، تحولات در مدیریت شهر، تأثیر معماری اتباع خارجی و تعاملات اقتصادی با غرب جستجو کرد. در اواخر قاجار و بعد از مشروطیت، اوضاع فرهنگی همدان مسیری رو به توسعه و ترقی نهاد. پایه‌گذاری مدارس نوین در همدان، اواخر دوره قاجار در ابتدا توسط اقلیت‌های مذهبی آغاز به کار کرده است. به طوری که مدرسه آلیاس یا اتحاد مربوط به اقلیت مذهبی یهودیان به سال ۱۲۷۹ شمسی به عنوان اولین مدرسه نوین به سبک غربی در شهر همدان تأسیس شد. بعد از آن مدارس ایرانی به شیوه غربی به سال ۱۲۸۰ شمسی تأسیس شدند. ظهیرالدوله در اسناد و خاطرات خود، مدرسه فخریه شرافت را به همدان معرفی کرده است. توجه به مدارس نوین و علم عنوان اولین مدرسه ایرانی به عنوان اولین مدرسه ایرانی به سبک جدید در شهر همدان معرفی کرده است. توجه به مدارس نوین و علم‌گرایی، بدون شک، تأثیر عمیق در باورها و گرایش‌های ذهنی مردم جهت گام نهادن به دنیای جدید و شیوه زندگی نوین را ارمغان می‌داد. در این شیوه زندگی جدید، توجه به بانوان و مقبولیت آنها

در عرصه جامعه کم کم مورد پذیرش بوده و تأثیر عمیقی در کمتر شدن فاصله و حریم زنانگی و مردانگی داشت. از سوی دیگر وجود اقلیت‌های مذهبی نظیر یهودیان و مسیحیان در همدان در دوره قاجار قابل توجه بوده است. در خاطرات ظهیرالدوله حاکم همدان، جمعیت شهر را صد هزار نفر یاد کرده که از این تعداد دو هزار نفر یهودی و هشتصد نفر ارمنی بوده‌اند. اتباع بیگانه در شهر به صورت تدریجی فرهنگ خود را در غالب الگوهای رفتاری نظیر برپای جلسات و مجالس، طرز ویژه لباس پوشیدن، غذا خوردن و تعامل اجتماعی با خانواده در جامعه به معرض نمایش می‌گذاشتند. نکته جالب توجه تأثیر متقابل فرهنگ زندگی مردم همدان با فرهنگ زندگی غربی در دوره قاجار دارد. در سفرنامه ویلیام جکسن که سال ۱۲۸۳ شمسی از همدان بازدید داشته تعامل فرهنگ زندگی غربی با فرهنگ بومی همدان را چنین تعریف کرده است. «از تلگرافخانه و بانک شاهی از آخرین مظاهر تجدد در همدان است بازدید کردم. این بانک شعبه بانک شاهنشاهی تهران بوده و رئیس آن یکی از ارمنی‌های همدان است. منزل این مرد محترم که رهین لطف او نیز هستیم تا حدی به سبک اروپایی مجهز و آراسته شده و با نیازمندی‌های زندگی ایرانی انطباق یافته است. این نمونه خوبی بود از این که ایرانی در اوضاع و احوال خاصی مستعد و آماده است، تمدن غربی را

پلاستیکی، ظروف مسی، آلات ساخت مسکو، پارچه، کنسرو، شکلات اشاره کرده است. (گروته، ۱۳۶۹: ۵۸) معماری اتباع خارجی از دیگر عوامل مؤثر در تغییر ذایقه معماری مردم و به ویژه طبقه اعیان و تجار بود. این بناها اغلب توسط اتباع خارجی که اغلب آنها اتباع انگلیسی و آمریکایی بودند ساخته می‌شدند. تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اگر چه در این دوره به صورت آرام و تدریجی در زندگی مردم صورت می‌گیرد ولی دارای تأثیر ژرف در عرصه معماری خانه‌های طبقه اعیان و تجار شد.

با زندگی شرقی درآمیزد». تعاملات اقتصادی با غرب نیز در تغییر سبک زندگی مؤثر بود. در اواخر قاجار موقعیت خاص قرارگیری شهر همدان بر سر راه ارتباطی غرب به شرق و مرکز ایران اهمیت تجاری این شهر را دو چندان کرده بود. در این میان نقش اجناس و کالاهای خارجی نظیر کالاهای روسی و انگلیسی و اهمیت اجناس و اشیاء در زندگی مردم روبه فزونی بود. گروه سیاح آلمانی در سفر به همدان نقش اشیاء و لوازم خانگی را در ارائه الگوی مصرف در شیوه زندگی را یادآور شده و به کالاهایی نظیر بلور آلات روسی، چراغ، محصولات



نمودار ۱. مدل تحلیلی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۲. فاکتورهای تبیین کننده شاخص‌های معماری جهت انتخاب نمونه‌های هدفمند. مأخذ: نگارندگان.

الگوی فضای	فاکتورهای تبیین کننده شاخص‌های معماری
الگوی کلان فضا	الگوی ویژه کلان فرم - تنوع فضا (باز-نیمه باز-بسته-پوشیده)-الگوی دسترسی ویژه با محیط پیرامون-الگوی خاص جهت فضاهای سکونتی و خدماتی-الگوی ویژه تفکیک فضای جنسیتی (بیرونی و اندرونی)
الگوی فضای میانی	سازماندهی خاص فضای داخل-الگوی ویژه ارتباطات افقی و عمودی-الگوی ویژه فضاهای تقسیم و مکث -الگوی ویژه فضاهای جنسیتی در الگوی رفتاری خانواده (فضاهای خصوص، نیمه خصوصی و عمومی)-بسط چشم‌اندازی از داخل به بیرون
الگوی خرد فضا	تزیینات خاص-عناصر ویژه معماری-

بررسی تحولات معماری خانه‌ها

بازدید میدانی از خانه‌ها و همچنین بهره‌گیری از اسناد و مدارک، نقشه‌ها و عکس، همچنین مصاحبه با شخصیت‌های صاحب‌نظر در مورد همدان‌شناسی، زمینه را جهت بررسی معماری اواخر قاجار را فراهم کرد. در بررسی‌های انجام شده در درجه اول کلیه خانه‌های اواخر قاجار بررسی شد. در مرحله اول تعداد پانزده خانه گردآوری شد که دارای نقشه بوده و امکان تهیه گزارش و عکسبرداری فراهم بود. در مرحله دوم جهت انتخاب نمونه‌های مطلوب، از روش نمونه‌گیری هدفمند بهره‌گیری شد. مبنای سنجش در این الگوی نمونه‌گیری، براساس میزان تحولات معماری با توجه به تغییرات سبک زندگی انجام گرفت. شاخص‌های سنجش در این الگو براساس پارامترهای معماری (سطوح کلان، میانی و خرد) مورد بررسی قرار گرفت، جهت انتخاب نمونه‌های هدفمند خانه‌هایی انتخاب شد که بیشترین تأثیر و تحول معماری در سطوح مختلف در آنها صورت گرفته بود. جدول ۲ به بررسی فاکتورهای تبیین کننده شاخص‌های معماری جهت انتخاب نمونه‌های هدفمند پرداخته است.

در سطح اجتماعی فرهنگی و اقتصادی به تبعیت از فرهنگ غرب داشته، توانسته به صورت نیروهای بالقوه ساختار فضایی معماری خانه‌ها را تغییر دهد. یکی از مؤلفه‌های نامحسوس که باعث اثربخشی در معماری شده، الگوی فرهنگی بوده که این تأثیر باعث توسعه و بسط فضای بسته و شکل‌گیری سرسرای مرکزی شده است. شکل‌گیری سرسرای مرکزی ضمن سازماندهی فضا، نقش تفکیک فضای جنسیتی را عهده‌دار بوده است. فضای داخلی در این معماری، فضای مرکزگراست و جایگاه خانواده است. این فضا خواهان جمع‌گرایی افراد به دور از سلسله مراتب اجتماعی افراد خانواده بوده، افراد به صورت هم‌شأن در نهاد خانواده حضور یافته و با مفهوم سلسله مراتب عمودی خانواده و پدرسالاری فاصله دارد. در این دوره به دلیل گسترش تعامل اجتماعی و فرهنگی خانواده و پذیرش حضور اجتماعی زن، فضای جنسیتی نظیر حیاط بیرونی و دالان‌های طویل، کم‌رنگ شده و فاصله و حریم فضای زنانگی و مردانگی به حداقل می‌رسد. استقلال اجزای خانه نظیر اتاق‌ها، کم‌شده و در رابطه با فضای مرکزی تعریف می‌شود. فضای بیرونی در قالب اتاقی تعریف می‌شود که در کنار سرسرای مرکزی قرار می‌گیرد و با فضای خصوصی خانه فاصله کمی دارد. تحولات اجتماعی به عنوان دومین لایه نامحسوس از دیگر عوامل مؤثر در تحول معماری در این دوره، باعث شکل‌گیری تمایل به تجدد و تمایز اجتماعی دارد. تأثیر تمایز اجتماعی در معماری این دوره بیشتر در حوزه خرد فضای معماری در غالب تزئینات، جزئیات و عناصر معماری داخلی بازنمایی شده است. این تزئینات بیشتر در قالب گچ‌بری در دیوار و استفاده از تزئینات چوبی در سقف و به صورت لمبه کوبی است. پله‌ها به صورت نمادین هم در جلو ایوان و هم داخل بنا به نمایش گذاشته می‌شوند. ستون‌های تزئینی هم در فضای نیمه باز و هم داخل بنا قابل مشاهده است. ستون‌ها علاوه بر کاربرد سازه‌ای، خود به عنوان یک عنصر اصلی معماری تبدیل می‌شود. حضور فراوان ستون‌های تزئینی در بناها، همچنین کاربرد پله به عنوان عنصر مهم معماری جهت ارتباطات عمودی، الگویی از معماری غرب بوده و به نوعی بیانگر حس تشخیص و تمایز در شیوه زندگی جدید است که به صورت تقلید محسوس از معماری اتباع خارجی در معماری خانه‌های همدان بازتاب داشته است. لایه مفهومی شاخص اقتصادی به عنوان سومین لایه نهان باعث کم‌رنگ شدن نقش معیشتی خانه و توجه خاص به نقش سکونتی آن دارد. در این الگو، بخشی از فضاهای خدماتی در کنار فضاهای اصلی قرار گرفته و الگوی فعالیتی خانه به سمت کارکردگرایی سوق پیدا کرده است. جدول ۳ تحولات خانه‌های هدفمند در سه سطح کلان، میانی و خرد معماری را به صورت تحلیل دیاگرامی ارائه داده است.

بررسی و مطالعات انجام گرفته در رابطه با تحول معماری خانه‌های منتخب نشان از شکل‌گیری معماری جدیدی است که در آن ساختار فرم و سازمان فضایی داخل و عناصر معماری تحول یافته‌اند. در سطح الگوی کلان، ساختار غالب فرم نمونه‌های مورد مطالعه به تقلید از بناهای اتباع خارجی که اغلب دارای فرم ساده‌ای داشته گرایش پیدا کرده و به سمت سادگی و کوچک شدن سوق داده شده‌اند. همچنین اکثر نمونه‌ها دارای یک حیاط بوده و استفاده از الگوهایی با چند حیاط رو به کاهش بوده است. در این الگو استقرار بنا اغلب در جبهه شمالی و جنوبی بوده به طوری که جبهه شمالی به عنوان مکان اصلی فعالیت سکونتی بوده و نقش اندرونی داشته و جبهه جنوبی بیشتر دارای کارکرد خدماتی داشته و به نوعی بیرونی هم محسوب شده است. نمونه بارز این تحول در خانه احمدی (خانه پنج) و شرفی (خانه شش) قابل ملاحظه است. از سوی دیگر تحول اصلی در معماری خانه‌ها، در عرصه تحول فضای داخلی صورت گرفته و فضای بسته نسبت به فضای باز دارای اهمیت بیشتری است. در الگوهای گذشته، سازماندهی فضا و فعالیت، بیشتر در فضاهای باز و حیاط صورت می‌گرفت. در حالی که در این زمان، فضای بسته در غالب حال مرکزی و یا راهروی طولی این وظیفه را انجام می‌دهد. شکل‌گیری سرسرای مرکزی در خانه‌ها، به تقلید از معماری خانه‌ها و کنسولگری‌های اتباع خارجی به تدریج در فضای داخلی خانه‌ها حضور یافته و جهت نورگیری سرسرا از نورگیر سقفی بهره جسته‌اند. یکی از زیباترین نورگیرهای سقفی در سرسرا در خانه ممقانی (خانه چهار) قابل مشاهده است. یکی دیگر از تحولات اصلی در عرصه میان فضا کم‌رنگ شدن نقش حیاط بیرونی بوده و بهره‌گیری از یک و یا چند اتاق قابل مشاهده است که اغلب در ورودی استقرار یافته و به بالاخانه معروف بوده‌اند. در خانه سیفی (خانه یک) و صمدی (خانه دو) در هشتی ورودی، اتاق بالاخانه وجود دارد. تصویر یک به بررسی تحولات فضای داخلی خانه‌های منتخب در عرصه فضای میانی پرداخته است. در عرصه خرد فضا تزئینات معماری از قبیل گچ‌بری و نقاشی که اکثراً به تقلید از معماری غرب بود، در فضاهای داخلی و به ویژه در اتاق شاه نشین و سرسرا قابل مشاهده است. در تصویر دو نمونه‌هایی از تزئینات در خانه‌های منتخب ارائه شده است (تصویر ۱ و ۲).

تحلیل یافته‌ها

بررسی نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش بیان‌کننده گفتمان فرهنگ زندگی نوین و معماری خانه است. این گفتمان به صورت تأثیر مفاهیم نامحسوس شیوه زندگی بر مفاهیم فضای معماری که به صورت محسوس بوده قابل بررسی است. تحولات شیوه زندگی نوین که ریشه در تغییرات

<p>شکل گیری اتاق بالاخانه جهت استفاده اتاق بیرونی</p> <p>اهمیت فضایی داخلی با شکل گیری سرسرا و پلنه داخلی در میانه سرسرا</p>	<p>اهمیت فضایی داخلی با شکل گیری سرسرا و پلنه داخلی در عقب سراجت سازماندهی فضا</p> <p>بسط فضایی داخلی و چشم انداز با توسعه فضایی نیمه باز</p> <p>کم رنگ شدن فضای جنسیتی فضا و فراگیری اتاق بیرونی در مجاورت فضای اندرون</p>
<p>خانه صمدی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>	<p>خانه سیفی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>
<p>اهمیت فضایی داخلی با شکل گیری سرسرا و پلنه داخلی در میانه سراجت سازماندهی فضا</p>	<p>بسط فضایی داخلی و چشم انداز با توسعه فضایی نیمه باز</p> <p>اهمیت فضایی داخلی با شکل گیری سرسرا و پلنه داخلی در میانه سراجت سازماندهی فضا</p> <p>کم رنگ شدن فضای جنسیتی و فراگیری اتاق بیرونی در مجاورت فضای اندرون</p>
<p>خانه ممقانی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>	<p>خانه شریفی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>
<p>شکل گیری دو سرسرای کوچک جهت تفکیک فضای زنانه و مردانه</p> <p>کم رنگ شدن فضای جنسیتی و فراگیری اتاق بیرونی در مجاورت فضای اندرون</p>	<p>اهمیت فضایی داخلی با شکل گیری سرسرا و پلنه داخلی در میانه سراجت سازماندهی فضا</p> <p>کم رنگ شدن فضای جنسیتی و فراگیری اتاق بیرونی در مجاورت فضای اندرون</p>
<p>خانه شرفی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>	<p>خانه احمدی-ماخذ: آرشیو سازمان میراث فرهنگی همدان</p>

تصویر ۱. تحولات معماری در الگوی میان فضا در رابطه با شیوه زندگی خانه‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان

<p>استفاده از شومینه تزئینی در سرسرای خانه احمدی</p>	<p>تصویر از شاه نشین خانه کیانی (استفاده از تزئینات گچ بری در دیوار و شومینه تزئینی)</p>	<p>نمای داخلی خانه شرفی (استفاده از گچ بری و تزئینات چوبی در سقف)</p>
<p>ورودی شاخص و نمادین خانه صمدی</p>	<p>کاربرد نمادین ستون با سر ستون تزئینی در خانه شریفی</p>	<p>سرسرای مرکزی خانه ممقانی (کاربرد ستون در مرکز بنا و پله داخلی)</p>

تصویر ۲. تحولات معماری داخلی و تزئینات خانه‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان

جدول ۳. بازنمایی دیاگرامی تأثیر سبک زندگی در تحول معماری خانه‌های مورد مطالعه در سه عرصه کلان، میانی و خرد فضا. مأخذ: نگارندگان.

الگوی خرد		الگوی میانی			الگوی کلان	
پله داخلی جهت بسط فضا	ستون داخلی جهت بسط فضا	الگوی نظام بسط چشم انداز	الگوی سازماندهی فضای جنسیتی	الگوی سازماندهی فضای داخلی	الگوی کلان فرم	الگوی فعالیت فضا
کاربرد پله داخلی جهت بسط فضا	کاربرد ستون داخلی جهت بسط فضا	توسعه و بسط چشم انداز	نیمه خصوصی خصوصی	ارتباطات داخلی	اعیان عرصه	سکونت خدماتی

نتیجه‌گیری

بررسی انجام گرفته در خانه‌های همدان اواخر قاجار و به ویژه بعد از دوره مشروطه نشان دهنده تغییرات سبک زندگی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده که این موضوع باعث اثربخشی در معماری خانه‌های طبقه اعیانی و تجار شده است. تعاملات گسترده با دنیای غرب در این دوره که از طریق تبادلات کالا و تجارت با اروپا، همچنین استقرار کنسول‌گری‌های دول مختلف در شهر همدان و وجود اقلیت‌های مذهبی در شهر، زمینه مناسبی را جهت تأثیرگذاری در گرایش ذهنی و الگوهای رفتاری جدید در شیوه زندگی داشته است. این تحولات شیوه زندگی جدید را می‌توان در تحول ارزش و بینش فرهنگی نظام خانواده، اهمیت اجتماعی زن، کاهش فضای جنسیتی، ایجاد حس تمایز و تشخیص اجتماعی و اهمیت اشیا به صورت لایه‌های نامحسوس مشاهده کرد. شیوه نوین زندگی در این دوره باعث اثر بخشی در عرصه کلان، میانی و خرد فضا معماری خانه شده است. تحول در عرصه کلان فضا باعث سادگی فرم، کوچک شدن خانه و شکل‌گیری خانه با یک حیاط شده و کاهش نقش جنسیتی فضا در غالب حذف حیاط بیرونی شده است. به طوری که در نمونه‌های مورد بررسی تقریباً تمامی خانه‌ها دارای یک حیاط بوده، مساحت آنها زیر هزار متر مربع و شکل کلی آنها به صورت مستطیل است. از سوی دیگر تحول در نظام اجتماعی و فرهنگی خانواده باعث اثر بخشی در نظام سازماندهی فضایی مرکزی و تأکید بر فضای بسته بوده و نقش حیاط به عنوان عاملی جهت سازماندهی فضا رو به ضعف نهاده است. فضای داخلی مورد توجه ویژه بوده و مهم‌ترین تحولات را می‌توان در بسط و توسعه فضای داخلی و کاهش حریم زنانگی و مردانگی فضا مشاهده کرد. در خانه‌های مورد بررسی در چهار نمونه از خانه‌ها، سرسرای مرکزی در انتهای بنا قرار گرفته و جهت تفکیک فضای زنانه از مردانه از دو راه پله مجزا استفاده شده که به سرسرا منتهی شده و فاصله فضای اتاق بیرونی با اتاق خصوصی فقط از سرسرا امکان پذیر است. در نمونه‌های مورد بررسی فقط خانه ممقانی (نمونه چهار) است که سرسرای مرکزی آن فقط دارای یک راه پله است. همچنین به دلیل توسعه تعاملات اجتماعی خانواده و کم رنگ شدن نقش جنسیتی فضا در خانه، استقلال فضای معماری اتاق‌ها ضعیف شده و اکثر اتاق‌ها با سرسرا در ارتباط هستند. از سوی دیگر تمایل به تمایز و تشخیص اجتماعی در خانه‌های مورد مطالعه به وضوح قابل رؤیت است. به طوری که مصداق معماری آن را می‌توان در تحولات نظام خرد فضای معماری نظیر اهمیت نمادین برخی از عناصر معماری نظیر پله، ستون، سردر ورودی و تزیینات مشاهده کرد. جدول ۴ اثربخشی تحولات سبک زندگی در رابطه با تحولات معماری خانه‌ها را نمایش داده است.

جدول ۴. تحلیل مفهومی رابطه تحول سبک زندگی در فضای معماری خانه‌ها. مأخذ : نگارندگان.

تبیین تحولات سبک زندگی در فضای معماری خانه (لایه‌های محسوس)			تبیین تحولات سبک زندگی در فرهنگ خانه (لایه‌های نامحسوس)	متغیرهای اصلی تحول سبک زندگی
تحول در نظام خرد فضا (عناصر معماری و جزئیات)	تحول در سازماندهی فضای داخلی	تحول در سازماندهی ساختار کلان فضایی و فرم		
کاربرد تزیینات و عناصر معماری به تقلید از فرهنگ معماری غرب جهت تمایز و تشخیص اجتماعی	تأکید بر فضای داخلی و تلفیق نسبی عرصه‌های خصوصی و عمومی - حضور نمادین ستون‌های تزیینی و پله به عنوان بازنمایی از الگوی جدید شیوه زندگی	ایجاد ساختار ساده در سطح کلان حذف حیاط‌های متعدد و شکل‌گیری خانه با محوریت یک حیاط و کاهش مرز فضاهای عمومی و خصوصی	گرایش به تمایز بخشی از سایر سطوح اجتماعی تعامل با اقلیت‌های مذهبی و اتباع خارجی و اثر بخشی آن در نظام الگوی رفتاری خانه	تحول در تعامل اجتماعی
حذف جزء فضاها و ارتباطات عناصر معماری نظیر اتاق‌ها بدون واسطه و در رابطه با راهرو مرکزی جهت تعامل بیشتر خانواده	توسعه فضای داخلی و اهمیت و منزلت افراد خانواده به صورت هم شأن و در کنار هم	اهمیت نمادین خانواده و تأکید حضور خانواده در فضای بسته و کم رنگ شدن نقش حیاط به عنوان عامل سازماندهی فضا	کاهش نظام اقتدار گرایی و مرد سالاری در خانه تضعیف نظام ارزشها و باورهای مذهبی در خانه	تحول در ساختار فرهنگی خانواده
شکل‌گیری تزیینات و نقاشی در فضا و بعضا نقش و تصویر زن در تزیین فضای داخل خانه	توسعه فضای حضور زن در خانه و کاهش مسیرهای و حریم‌های جنسیتی در قابل توسعه و بسط فضای داخلی و توسعه ارتباطات بصری در داخل فضا	حذف برخی از عناصر فضایی جنسیتی نظیر حیاط بیرونی دالان	کاهش مرز حریمیت و فضای زنانه و مردانه در خانه پذیرش حضور اجتماعی زن در جامعه و انجام فعالیت گسترده در خانه	تغییر مفهوم اجتماعی زن
اهمیت نمادین اشیا و اجناس خارجی استفاده محدود از مبلمان	نزدیک شدن فضای خدماتی و فضای سکونتی	اهمیت اقتصادی زمین کوچک شدن ابعاد خانه کاهش نقش اقتصادی معیشتی خانه	تمایل به مصرف گرایی اهمیت نقش اشیا در نظام زندگی	تحولات نظام اقتصادی

فهرست منابع

- اذکابی، پرویز. ۱۳۸۵. فرهنگ همدان. چاپ اول. همدان : دانشگاه بوعلی سینا.
- اذکابی، پرویز. ۱۳۸۳. کتابشناسی همدان: تاریخ معاصر همدان. چاپ اول. همدان : انتشارات دانشگاه بوعلی.
- ارمان، مریم و سلطانزاده، حسین. ۱۳۹۲. معماری و فرهنگ در خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار. پژوهش‌های انسان شناسی ایران، ۳(۱) : ۵۰-۲۹.
- ارمان، مریم و سلطانزاده، حسین. ۱۳۹۴. بازتعریف نقش زن در خانواده و تأثیر آن بر تزیینات نقاشی و ساختار خانه‌های اعیانی تهران در دوره قاجار ، مجله علمی پژوهشی باغ نظر، ۱۲ (۳۴) : ۲۴-۱۱.
- برومبژه، کریستین. ۱۳۷۰. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ت : علاء الدین گوشه‌گیر. چاپ اول. تهران : موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه، فرهنگ، طبیعت. چاپ اول. تهران : دفتر معماری و طراحی شهری مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری. و محمد حسینی، پریسا. ۱۳۹۳. تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز براساس نظریه ریپورت. مطالعات معماری ایران، ۲(۵) : ۸۱-۹۹.
- رایپور، آرموس. ۱۳۹۲. انسان شناسی مسکن. ت : فرد افضلیان. چاپ اول. تهران : انتشارات کتابکده کسری.
- رستمی، احسان و اردشیرزاده، مرجان. ۱۳۹۲. نگاهی به نظریه های سبک زندگی. فصلنامه مطالعات سبک زندگی، ۲(۳) : ۳۱-۹.

- شهری، جعفر. ۱۳۶۹. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، زندگی، کسب و کار، چاپ اول. تهران: موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- فروتن، مجید. ۱۳۴۸. اوضاع سیاسی-اجتماعی همدان در جنگ جهانی اول. چاپ اول. همدان: نشر کتابدار.
- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۷. انسان شناسی شهری. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- گروته، هوگو. ۱۳۶۹. سفرنامه گروته. ت: مجید جلیلود. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- یزدانفر، سید عباس و ضرابی الحسینی، مهسا. ۱۳۹۴. تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه در شهرستان ارومیه. نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، ۳(۴): ۴۵-۶۱.